خبر

نمایش آثار ضدصهیونیستی در «سال صفر»

چهار نمایشگاه متنوع در حوزه‌های کارتون، کاریکاتور، عکس و حجم این روزها در نگارخانه‌های تهران برپاست و هر یک از منظری متفاوت، به مسائل اجتماعی، تاریخی یا مفاهیم وجودی می‌پردازند. نمایشگاه بین‌المللی «سال صفر» با نمایش آثاری از ۶۵ هنرمند از ۴۲ کشور جهان، روایتی گرافیکی از جنایات رژیم‌صهیونیستی در غزه و لبنان را ارائه می‌دهد. این آثار از ۷ تا ۲۲ خرداد در فرهنگسرای گلستان واقع در نارمک در معرض دید علاقه‌مندان است. در نگارخانه آفرینش نور نیز نمایشگاه «سلامی بر آفتاب» با محوریت زندگی امام خمینی(ره) از ۱۰ تا ۲۰ خرداد دایر است. این مجموعه تصویری از ولادت تا ارتحال رهبر کبیر انقلاب را برای نسل جوان روایت می‌کند. نمایشگاه عکس «سی‌رج» از محسن زین‌العابدینی نیز با نگاهی هنری به مراحل تولید فرش‌های دستباف حرم امام رضا(ع) از ۱۸ تا ۲۲ خرداد در گالری مؤسسه اطلاعات برگزار می‌شود. این مجموعه، شامل ۲۶ عکس در ابعاد مختلف، فرآیند بافت تا قالیشویی فرش‌ها را به تصویر کشیده است. همچنین نمایشگاه انفرادی حجم «سفید مثل زندگی» از مرجان یزدانی با ۱۹ اثر مفهومی از ۸ تا ۱۳ خرداد در نگارخانه آفتاب فرهنگسرای نهج‌البلاغه برگزار می‌شود.



لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست

یاد و خاطره حضرت امام خمینی(ره) را از دریچه نگاه برخی شاعران نامی دهه ۶۰ بررسی کردیم

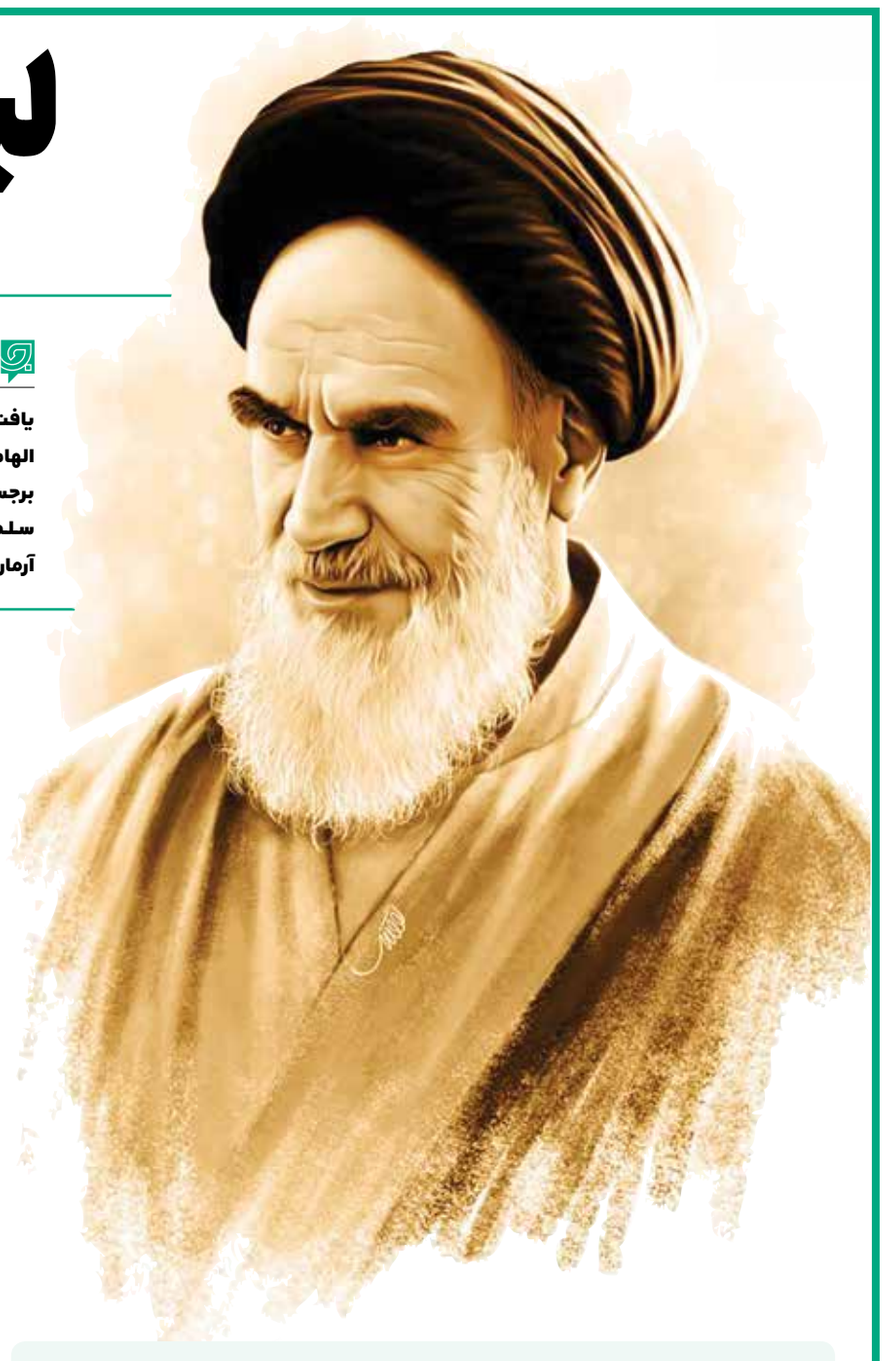

عباس کرخی
معلم و شاعر

دهه ۶۰ خورشیدی، دورانی سرشار از تحولات سیاسی و اجتماعی بود که به‌طور عمیق در ادبیات آن زمان بازتاب یافت. در این میان، حضور معنوی و رهبری حضرت امام خمینی(ره) نه‌تنها الهام‌بخش جریان‌های ادبی پایداری و دفاع‌مقدس شد، بلکه شاعران برجسته‌ای چون شهریار، علی معلم، قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، سلمان هراتی و محمدعلی بهمنی، با زبان شعر، تصویری از شخصیت و آرمان‌های امام را در آثار خود به یادگار گذاشتند. این گزارش به بررسی مختصر و شاعرانه نقش و حضور امام خمینی(ره) در ادبیات دهه ۶۰ می‌پردازد و یاد و خاطره این رهبر بزرگ را از دریچه شعرهای ماندگار آن سال‌ها مرور می‌کند. اشاره به این موضوع نیز خالی از لطف نیست که لبخند و نگاه امام خمینی(ره) نقش بسیار مهمی در انتقال پیام‌های معنوی و ملی داشت و به‌عنوان نمادی از حسن خلق، مهربانی و اخلاص ایشان شناخته می‌شد. لبخند امام، که در اشعار شاعران متعددی همچون قیصر امین‌پور به‌عنوان «خلاصه خوبی‌ها» توصیف شده، جلوه‌ای از محبت و آرامش بود که به مردم امید و انرژی می‌بخشید. نگاه امام نیز منبعی از نور و الهام بود که دل‌های مشتاق را روشن می‌کرد و ارتباطی عمیق و معنوی با مردم داشت.

زنده‌یاد استاد محمدحسین شهریار



استاد شهریار- روانش شاد- که پیش از سفر رهبرش، پرکشید، در غزلی شورانگیز امام(ره) را سروی آزاد می‌داند که نظیر ندارد؛ او را دانای رموز رهبری می‌داند؛ سرداری است دلاور که فنون رزم را بیش از سایرین داراست؛ حضرت علی(ع) ثانی است در خطبه‌راندن و جهاد و...:

تو آن سروی که چون سر برکنی سرها بیارایی
وگر سرور شدی آیین سرورها بیارایی
به نقاش ازل مانی که با نقشی جهان‌آرا
چمن‌ها با گل و سرو و صنوبرها بیارایی
نه هر کاو کاروان راند، رموز رهبری داند
تو روح‌الله، رهی داری که رهبرها بیارایی
بدین شوق شهادت‌ها، چه بیم از لشکر کافر
که هر آنی تو آن دانی که لشکرها بیارایی
همان تیغ جهاد و خطبه‌های مسجد کوفه‌ست
که رنگین می‌کنی محراب و منبرها بیارایی
به روزن‌های چشم و دل همه نور جمال توست
به هر روزن تو منظوری و منظرها بیارایی
تو بودی آفتاب از مغرب آن کاو در حدیث آمد
به کشورها گذر کردی که کشورها بیارایی
اگر خاور به خورشیدی درخشان می‌کند آفاق
تو آن خورشید رخشانی که خاورها بیارایی
کجا با مشک و عنبر کلک مشکین تو آراید
تویی کز خط مشکین مشک و عنبرها بیارایی

زنده‌یاد سلمان هراتی



سلمان هراتی- روانش شاد - که به گمانم ادبیات انقلاب و ایران خیلی زود او را از دست داد و دریغ از این شاعر که در عنفوان جوانی ناگاه پرنده شد و ما را در حسرت بی‌انتهای شنیدن دلواژه‌هایش نهاد، با نگاهی عمیق و بیانی نمادین، فضای سیاه و برزخ‌وار دوران ستمشاهی را تصویر می‌کند. آبها (مردم) نمی‌توانند بدون نگاه او، به اتحاد برسند (دریا) و ظلم (شب) نمی‌تواند به پیروزی (صبح) منجر شود. کویر سوزان پیش از انقلاب به هیچ سبزه‌ای اجازه روییدن نمی‌داد تا این که تو آمدی و بهار و... با تو سرازیر شد. پیش از حضور تو، هیچ امیدی به زیباشدن، جاری شدن، دریاشدن و... نبود:

پیش از تو آب معنی دریاشدن نداشت
شب مانده بود و جرأت فرداشدن نداشت
بسیار بود رود در آن برزخ کبود
اما دریغ، زهره دریاشدن نداشت
در آن کویر سوخته، آن خاک بی‌بهار
حتی علف اجازه زیباشدن نداشت
گم بود در عمیق زمین شانه بهار
بی‌تو ولی زمینه پیداشدن نداشت
دل‌ها اگر چه صاف ولی از هراس سنگ
آیینه بود و میل تماشاشدن نداشت
چون عقده‌ای به بغض فرو بود حرف عشق
این عقده تا همیشه سر واشدن نداشت

زنده‌یاد سیدحسن حسینی



سیدحسن حسینی- روانش شاد- همه چیز را خلاصه در چشم امام (ره) می‌بیند و بازی‌های زبانی زیبایش بر طراوت این شعر افزوده است. چشم که منبع اصلی ارتباط است، می‌تواند دل‌های مشتاق را چراغانی کند؛ مهمانی‌های شگفتانه‌ای برگزار کند، شب‌شعرهای عرفانی برگزارکند؛ مراد دل‌های عاشق شود و...:

هلا، روز و شب فانی چشم تو
دلم شد چراغانی چشم تو
به مهمان شراب عطش می‌دهد
شگفت است مهمانی چشم تو
بنا را بر اصل خماری نهاد
ز روز ازل بانی چشم تو
پر از مثنوی‌های رندانه است
شب شعر عرفانی چشم تو
تویی قطب روحانی جان من
منم سالک فانی چشم تو
دلم نیمه‌شب‌ها قدم می‌زند
در آفاق بارانی چشم تو
شفا می‌دهد آشکارا به دل
اشارات پنهانی چشم تو
هلا توشه راه دریادلان
مفاهیم توفانی چشم تو
مرا جذب آیین آیینه کرد
کرامات نورانی چشم تو
از این پس مرید نگاه توام
به آیات قرآنی چشم تو

استاد علی معلم

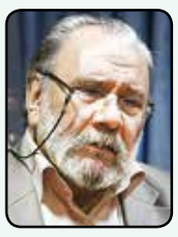

استاد علی معلم دامغانی، شعر بلند «هجرت» را در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰، به امام(ره) تقدیم می‌کند که به‌عنوان مرامنامه انقلاب، سرفصل عدالتخواهی معاصر و بازخوانی تاریخ و اساطیر مذهبی جهان شناخته شده است. در بخشی از این شعر بلند، از مردی [امام خمینی(ره)] سخن به میان می‌آید که صفایش آیینه‌وار است و همتش مثال‌زدنی؛ شبیه همه پیامبران عدالتخواه است؛ اسلام از یادرفته را فریاد می‌کند و...:

... این فصل را با من بخوان، باقی فسانه است
این فصل را بسیار خواندم، عاشقانه است
شبگیر غم بود و شبیخون بلا بود
هر روز عاشورا و هرجا کربلا بود
قابیلیان بر قامت شب می‌تنیدند
هابیلیان بوی قیامت می‌شنیدند
جان از سکوت سرد شب دلگیر می‌شد
دل در رکاب آرزوها پیر می‌شد
امیدها در دام حرمان درد می‌شد
بازار گرم عاشقی‌ها سرد می‌شد
دیگر شده عشق از نزاری در هوس‌ها
خو کرده مرغان صحاری با قفس‌ها
شب‌زادها را هرگز از شادی خبر نه
طفل قفس را هرگز از وادی خبر نه
از جست‌وجوها رنگ خواهش برده بودند
پنداشتی خود آرزوها مرده بودند
دیدم شبان خفته را، تبدار دیدم
بر خفته شب شبروی بیدار دیدم
مردی صفای صحبت آیینه دیده،
از روزن شب شوکت دیرینه دیده
مردی حوادث پایمال همت او
عالم ثناگوی جلال همت او
مردی به مردی دیو را در بند کرده
با سرخوشان آسمان پیوند کرده
مردی نهان با روح هم‌پیمان نشسته
مردی به رنگ نوح در طوفان نشسته
مردی شکوه شوکت عیسی شنیده
موسی‌صفت بر سینه سینا تنیده
مردی ز ننگ آسوده، عز و نام دیده
مردی شکوه و عزت اسلام دیده
مردی به مردی دشنه بر بیداد بسته
در خامشی قد قامت فریاد بسته
مردی تذرو کشته را پرواز داده
اسلام را در خامشی آواز داده
کای عالمی آشفته، چند آشفتن تو؟
گیتی فسرد از فتنه، تا کی خفتن تو؟
ابر و نباریدن، چه رنگ است این چه رنگ است؟
تیغ و نبریدن، چه ننگ است این چه ننگ است...

زنده‌یاد قیصر امین‌پور

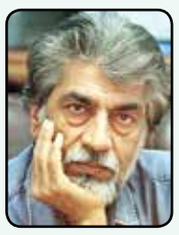

قیصر امین‌پور - روانش شاد- لبخند امام(ره) را خلاصه همه خوبی‌ها می‌داند و تمام زیبایی‌ها را در آن خلاصه می‌بیند، چشمش را حرمی مقدس می‌بیند و... در انتها می‌خواهد که بدون فاصله از حقایق بگوید و راه را بنمایاند:

لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست
لختی بخند، خنده گل زیباست
پیشانیت تنفس یک صبح است
صبحی که انتهای شب یلداست
در چشمت از حضور کبوترها
هر لحظه مثل صحن حرم غوغاست
رنگین‌کمان عشق اهورایی
از پشت شیشه دل تو پیداست
فریاد تو تلاطم یک طوفان
آرامشت تلاوت یک دریاست
با ما بدون فاصله صحبت کن
ای آن که ارتفاع تو دور از ماست

زنده‌یاد محمدعلی بهمنی

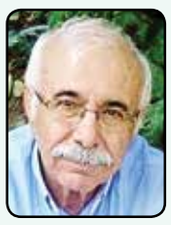

این مختصر را با شعری از محمدعلی بهمنی- روانش شاد- به پایان می‌بریم که پس از رحلت امام(ره) سروده شده است. وجه ممیزه این غزل، روح حماسی آن است که مرگ را پایان زندگی بزرگان نمی‌بیند و معتقد است عمر اصلی معمار انقلاب پس از سفر ابدی‌اش آغاز شده؛ بنابراین گریه براین روح تا ابد جاری و زنده جایگاهی ندارد:

زنده‌تر از تو کسی نیست چرا گریه کنیم؟
مرگ‌مان باد و مباد آن که تو را گریه کنیم
هفت پشت عطش از نام زلالت لرزید
ما که باشیم که در سوگ شما گریه کنیم
رفتنت آینه آمدنت بود ببخش
شب میلاد تو تلخ است که ما گریه کنیم
ما به جسم شهدا گریه نکردیم مگر
می‌توانیم به جان شهدا گریه کنیم؟
گوش جان باز به فتوای تو داریم بگو
با چنین حال بمیریم و یا گریه کنیم؟
ای تو با لهجه خورشید سراینده ما
ما تو را با چه زبانی به خدا گریه کنیم؟
آسمانا! همه ابریم گره خورده به هم
سر به دامان کدام عقده‌گشا گریه کنیم؟
باغبانا! ز تو و چشم تو آموخته‌ایم
که به جان تشنگی باغچه‌ها گریه کنیم

رویداد

میزبانی همدان از سومین رویداد گردشگری سلامت



سومین کنفوبیشن بین‌المللی گردشگری سلامت کشورهای عضو اکو از ۲۱ تا ۲۳ خرداد با حضور نمایندگان ۹ کشور در شهر همدان برگزار می‌شود. انوشیروان محسنی بندپی، معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، روز گذشته در نشست خبری این رویداد گفت: گردشگری سلامت ابزاری مؤثر برای مقابله با ایران هراسی است و می‌تواند تا سه برابر درآمدزایی برای کشور به همراه داشته باشد. وی با اشاره به توانمندی‌های ایران در حوزه پزشکی افزود: کشور ما با برخورداری از نیروهای متخصص، تکنیک‌های پیشرفته درمانی و هزینه‌های مقرون‌به‌صرفه، مقصدی جذاب برای بیماران از آسیا و اروپاست. به گفته محسنی بندپی، یکی از سیاست‌های وزارت میراث فرهنگی در دولت سیزدهم، تمرکززدایی از برگزاری رویدادهاست و همدان با توجه به ظرفیت‌های درمانی، طبیعی و فرهنگی از جمله این‌که زادگاه بوعلی سیناست، برای میزبانی این اجلاس انتخاب شده است.

کتاب

روایتی صمیمی از دنیای معلمی در دو کتاب



انتشارات سوره مهر با انتشار دو عنوان تازه از «مجموعه روایت»، نگاه تازه‌ای به زیست حرفه‌ای معلمان انداخته است. کتاب‌های «زندگی پای تخته‌سیاه» نوشته عفت جوادی، دبیر شیمی و «معلم خصوصی» نوشته گیتی باقری، دبیر ریاضی به تجربه‌های زیسته مؤلفان از تدریس می‌پردازند. زندگی پای تخته‌سیاه در چهار فصل، روایتی صمیمی و انتقادی از سی سال معلمی، خانه‌نشینی، مهاجرت، بازگشت و بازنشستگی است. جوادی با نثری ساده، تلخی و شیرینی‌های کار در مدارس تهران و انگلستان را بازگو کرده است. معلم خصوصی نیز مجموعه‌ای از خاطرات ۲۰ سال تدریس خصوصی ریاضی است. گیتی باقری در این کتاب با لحنی طنزآمیز و تأمل‌برانگیز، به دغدغه دیرینه دانش‌آموزان درباره کاربرد ریاضی در زندگی پاسخ می‌دهد. این دو کتاب پیش‌تر توسط انتشارات جام‌جم منتشر شده و اکنون در ۳۴۸ و ۱۸۷ صفحه، با قیمت ۳۶۵ و ۲۴۵ هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

قاب

تندیس بهترین مستند جشنواره مجارستانی برای «پنوسر»

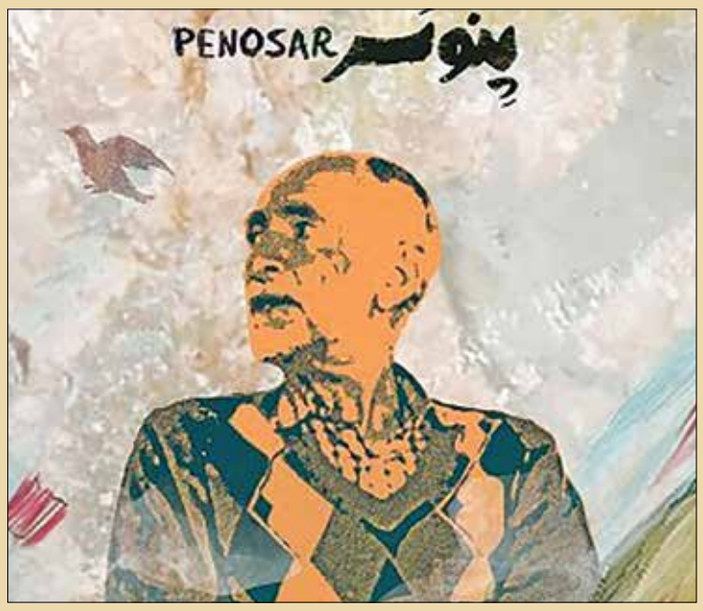

مستند «پنوسر» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی حسین فتاحی، تندیس بهترین مستند نهمین جشنواره ویلموش زیگموند مجارستان را کسب کرد. این جشنواره که از سال ۲۰۱۷ به یاد فیلمبردار برجسته، ویلموش زیگموند، برگزار می‌شود، بر هنر فیلمبرداری و زیبایی‌شناسی بصری تمرکز دارد. «پنوسر» روایتی شاعرانه از زندگی چوپانی است که با مهارت بر سنگ‌های کوهستان سوادکوه مازندران نقاشی می‌کشد. این فیلم که طی چند فصل فیلمبرداری شده و پیشتر دیپلم افتخار جشنواره یوالیتی فرانسه را نیز دریافت کرده بود، با تدوین مهدی قنواتی، صداگذاری شاهین پورداداشی و اصلاح رنگ رضا تیموری تهیه شده است.